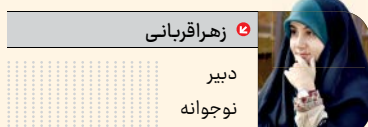


درباره بلاگر معلمی دو

سلفی

اوج اوچش دوران کرونا بود. صد که برای خندیدن دست به دست داشت از یک سو و منتشر شدن دچار تحول شویم بلکه روی تازه

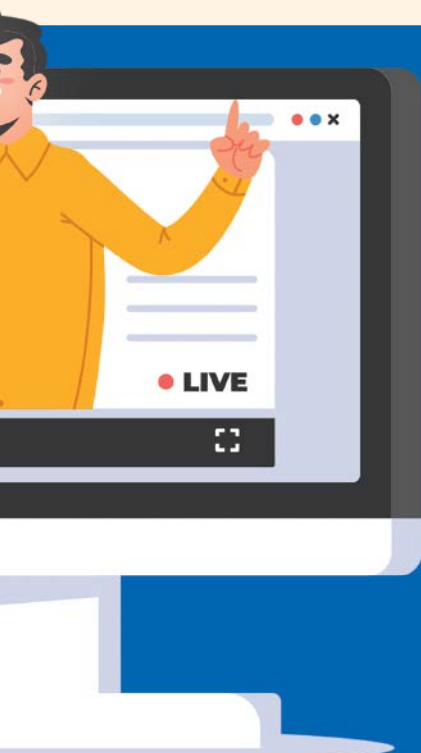


زهرا قربانی

دبیر

نوجوانه

در این چند سال اخیر ابعاد گسترده تر و متفاوتی پیدا کرده. یکی از حوزه های مورد توجه حال در کنار تدریس به این فعالیت مشغول هستند. برای بررسی بهتر مزایا و معایب بلاگر معلمی و در انتها هم به رسم همیشه مطالبه مان را قرار است به گوش آموزش و پرورش برسانیم.



حقوق

سه سوال مهم حقوقی از مصاحبه با خانم زارعی ذهنم را درگیر کرده بود همین به مریم مرادزاده، فارغ التحصیل حقوق جزا پیام نصفه شبی چالش های ذهنی ام را برای خودم و شما حل و فصل کردم.

درباره رضایت داشتن خانواده و دانش آموز ویدئوی بچه ها و حق قانونی آموزش و پرورش و مدرسه برای توبیخ معلم که مرادزاده اینطور جواب داد:

«گرچه این کار جرم نیست ولی من اصطلاحاً می گویم که بعضی جرایم جنبه عمومی دارد. به طور مثال اعلام جرم درباره خدشه دار کردن عفت عمومی. ممکن است کسی شاکی خصوصی نباشد اما مدعی العموم حق بررسی و برخورد را دارد.»

سوال بعدی من درباره این بود که اگر سال ها بعد کودک بزرگ شد و خواست از معلم و خانواده بابت نشر چهره اش شکایت کند، این حق را دارد؟ مرادزاده می گوید: «بله این حق قانونی را دارد اما ممکن است

سوال بعدی من درباره این بود که اگر سال ها بعد کودک بزرگ شد و خواست از معلم و خانواده بابت نشر چهره اش شکایت کند، این حق را دارد؟ مرادزاده می گوید: «بله این حق قانونی را دارد اما ممکن است

برخورد نزدیک از نوع چندم

بانمک، شیرین، خوشحال کننده و امیدوار کننده؛ اولین کلیدواژه هایی است که با دیدن فیلم بلاگر معلم ها به ذهن می رسد. شاید هم عده ای مخالف سرسخت این تفاوت رفتار و نزدیکی باشند اما باید گفت رویکرد معلمان جدید چه بلاگر باشند و چه نباشند مثل راه رفتن روی لبه تیغ است. این که مثل گذشته دانش آموز با دیوارها و خط کشی های سفت و سخت و محکم روبه رو شود، یک باخت بزرگ برای مدرسه و معلم است از این جهت که می شود یک دلیل برای فراری تر شدن او از روزمرگی و فضای کسل کننده مدرسه اما معایبی که صمیمیت زیادی هم با خود به همراه دارد، گاهی غیرقابل جبران است. اشتراک گذاری تجربیات تدریس و تعامل با بچه ها، ارتباط بهتر و دقیق تر با والدین، ارتباط با همکاران دیگر و در آخر دیده شدن دلایل خوب و مثبت بلاگر معلمی است. این که معلم خلاقیت های تدریس و بازی آموزی هایی را که خود ابداع می کند در اختیار معلم های دیگر بگذارد اتفاقاً گام مثبتی در طرح درس معلمان محسوب می شود اما اگر نخواهیم بگوییم همه، بعضی از معلمان تمرکز اصلی شان روی دیده شدن است. اثرات مخرب بلاگر معلمی هم مبحث قابل بررسی است که نباید از آن غافل بود.

۱. امکان انتشار اطلاعات خصوصی و شخصی فرد، خصوصاً چهره دانش آموز، حتی اگر او و خانواده راضی هم باشد باعث بروز مشکلات می شود. هیچ کدام مان ویدئوی پسر شمالی که در پرسش شفاهی معلم جغرافی هول شده بود و کلمه شیب را مدام تکرار می کرد، یادمان نمی رود. سرنوشتی هم که دانش آموز بعد از انتشار این فیلم داشت و حرف هایی که از مردم شنیده بود هم برای خودش قابل هضم و فراموشی نیست. این که دانش آموز خصوصاً در سنین پایین از انتشار فیلمش خوشش هم بیاید یک اتفاق بدیهی است، چون او به هرحال دلش می خواهد دیده شود اما این که در بزرگسالی هم از ماندگاری فیلمش پشیمان نشود را کسی پیش بینی نمی کند. خانواده هم به عنوان والدین و تعیین کننده و تاثیرگذار در تصمیم کودک و نوجوان باید حواس شان به نشر اطلاعات فرزندشان باشد. گرچه وارد این بحث نمی شوم که بعضی از والدین برای کودک شان از پر قنداق پیچ شخصی می زنند و بدون اجازه چهره او را منتشر و پخش می کنند. ۲. شغل معلمی در وهله اول تمرکز بر تدریس است. هر قدر هم چک و چونه بزنیم که وقت استراحت برای فضای مجازی محتوا تولید می کنیم، نمی شود گفت که مطلقاً کم کاری نمی شود و نباید مدرسه و وزارتخانه از این مسئله نگران نباشند. به هرحال اگر ذره ای در کار تدریس کوتاهی شود، معلم مدیون دانش آموز است.

خلاصه در ظاهر قضیه، امر بلاگر معلمی و نزدیکی و صمیمیتی که با بچه ها در این ویدئوها می بینیم، قابل توصیه و تایید نیست و از هر طرف که نگاه می کنیم، یک جای کارش می لنگد.



دوکلام حرف روان شناسانه



برای بررسی بهتر رفتار معلم با دانش آموز و صمیمیت و ملاحظات آن که آموزش و پرورش نسبت به نشر این فیلم ها دارد رفته ایم سراغ امیرعلی حبیبی، گفتاردرمانگری که قبلاً عضو تحریریه نوجوانه بود و حالا روزانه با مراجعان کودک زیادی سر و کار دارد.

در قدم اول اهمیت مرز قائل شدن از سمت معلم واجب است. دانش آموز اولین بستر جدی و رسمی است که تجربه می کند و باید این شناخت را داشته باشد که هر جایی آداب و اصول خود را دارد. اگر همان طور که در خانه و خانواده با او رفتار می شود در مدرسه با معلم چنین ارتباطی داشته باشد، دیگر معلم از قامت یک مربی و معلم و کسی که باید اثرگذار باشد و دانش آموز از او حرف شنوی داشته باشد، خارج می شود. گرچه این به معنای بدرفتاری و محبت نکردن نیست.

قدم بعدی جایگزین شدن است. هیچ فردی نمی تواند جایگاه برادر، خواهر و دوست را در زندگی دانش آموز بگیرد. اگر قرار باشد معلم جایگاه دیگری غیر از همان معلمی داشته باشد برای دانش آموز خصوصاً در سن کودکی آسیب زننده است.

نکته سوم بحث دلبستگی است. در کودکی و نوجوانی دلبستگی و وابستگی به سرعت اتفاق می افتد و فرد آسیب پذیرتر است. این جمله کلیشه ای روان شناسان است که می گویند «این مشکل به کودکی شما برمی گردد» کاملاً درست است. تا ۱۰ سالگی محیط، افراد و اتفاقات، آینده بالغانه فرد را شکل می دهند و اگر ما وابستگی های اشتباه و رفتارهای نادرستی انجام دهیم به تبع آن در آینده شاهد نتایج غیرقابل جبرانی چه برای فرد و چه اطرافیان خواهیم بود.

و اما نکته آخر بحث قانونمندی دانش آموز است. اگر کلاس درس و مدرسه از اسلوب رسمی و قانونی خود خارج شود و ارتباطات رنگ و بوی دیگری بگیرد، قانون پذیری دیگر در فرد شکل نمی گیرد.

اگر قانون در جامعه کوچکی مثل مدرسه شکسته شود، دانش آموز این بی قانونی را به کل جامعه تعمیم می دهد و پایه جامعه پذیری و قانونمندی اش حتی در قالب رانندگی و یک کمر بند بستن ساده درست بنا نمی شود.